

بازخوانی سندی و دلالتی حدیث «الحسن و الحسین سیدا شباب
اهل الجنة» بر افضلیت و امامت حسنین علیهما السلام

نویسنده: رضا بازوند

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چکیده

مسئله امامت و جانشینی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، همواره مورد بحث و کنکاش و محل نزاع بین مسلمانان بوده است. در این میان شیعیان امامی قائل به امامت دوازده امام هستند و برای امامت آنها به ادله‌ای از عقل و نقل تمسک جسته‌اند. یکی از آن ادله، روایت «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة» است که پژوهش حاضر درصدد بررسی سندی و دلالتی آن است. هدف از این پژوهش اثبات امامت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و حقانیت مذهب تشیع است. این پژوهش اثبات کرده است که روایت مذکور به لحاظ سندی متواتر و قطعی الصدور است و از حیث دلالتی نیز دال بر افضلیت حسنین علیهما السلام و امامت آنهاست.

کلیدواژه‌ها

امامت، افضلیت، بررسی سندی، بررسی دلالتی، حدیث سیادت

مقدمه

بدون تردید، مسئله امامت و جانشینی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از مسائل اصلی و مهم دنیای اسلام، همواره مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است. در این میان، شیعیان قائل به امامت بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و پس از ایشان، فرزندان ایشان به ترتیب، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نه فرزند از نسل امام حسین علیه السلام هستند. آن‌ها برای این اعتقاد خود، ادله‌ای را از آیات قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و براهین عقلی اقامه می‌کنند. یکی از این دلایل، حدیث نبوی مشهور «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة» است که به عنوان دلیلی بر افضلیت و امامت حسنین علیهما السلام مطرح شده است و پژوهش حاضر در صدد بررسی سندی و دلالتی آن است.

اهمیت و ضرورت این مسئله از آنجا روشن می‌شود که در صورت اثبات صحت سند و صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و اثبات دلالت آن بر افضلیت حسنین علیه السلام، امامت آن‌ها نیز اثبات خواهد شد و هم‌چنین حقانیت مذهب تشیع، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

مفاهیم و کلیات

افضلیت

افضلیت در لغت، صیغه مبالغه از فضل و فضیلت است که متضاد نقص و نقیصه بوده^۱ و به معنای زیادت در چیزی^۲ و درجه بالای فضل^۳ استعمال می‌شود.

اما در اصطلاح کلام و مباحث امامت به دو معنا ذکر شده است:

۱. استحقاق ثواب بیشتر نزد خداوند (اکثر ثوابا عند الله)^۴

۲. بالاترین درجه در صفات و کمالات مرتبط با امامت^۵

از دیدگاه امامیه، مقصود از افضلیت امام نسبت به اهل زمان خودش، هر دو معنای بالاست^۶ و این دو با

۱. جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۹۱.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۸.

۳. خلیل بن احمد، العين، ج ۷، ص ۴۴.

۴. قاضی عبد الجبار، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۲۰، قسمت ۲، ص ۱۱۶؛ میر شریف جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۷۲.

۵. ابوبکر الباقلائی، تمهید الأوائل فی تلخیص الدلائل، ص ۴۷۱؛ الجوینی، غیث الأمم فی التیاه الظلم، ص ۱۶۵.

۶. سدید الدین حمصی رازی، المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۸۶؛ محقق حلی، المسلك فی اصول الدین، ص ۲۰۵.

هم ملازمت دارند؛ زیرا کسی که در صفات و کمالات مرتبط با امامت مانند علم، شجاعت و ... افضل از دیگران باشد، همو استحقاق ثواب بیشتری نزد خداوند دارد.

امامت

امامت در لغت به معنای تقدّم و پیشوایی است^۷ و امام چیزی است که مقدم و پیشوا قرار داده می‌شود، خواه آن چیز، انسان باشد - که به قول و فعل او اقتدا می‌شود - یا کتاب و خواه آن چیز، حق باشد یا باطل.^۸ اما در اصطلاح این گونه تعریف شده است:

«هي رئاسة عامة في أمر الدين و الدنيا خلافة عن النبي صلى الله عليه [و آله] و سلّم»^۹

امامت ریاستی عام و فراگیر در امور دینی و دنیوی به عنوان جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.

لزوم افضلیت امام

یکی از صفات و شرایط امام، لزوم افضلیت او نسبت به اهل زمان خودش است. این شرط مورد اتفاق و اجماع امامیه است^{۱۰} و عموم اهل سنت نیز آن را پذیرفته اند. ابن تیمیه حرّانی از عالمان متعصب اهل سنت در این باره می‌نویسد:

«أن الجمهور من أصحابنا وغيرهم، وإن كانوا يقولون: يجب تولية الأفضل مع الإمكان...»^{۱۱}
جمهور از یاران و همفکران ما و هم چنین دیگران معتقدند: امامت افضل در صورت امکان واجب است.

تفتازانی دیگر عالم مشهور اهل سنت در این باره می‌نویسد:

«لما ذهب معظم أهل السنة، و كثير من الفرق على أنه يتعين للإمامة أفضل أهل العصر إلا إذا كان في نصبه مرج و هيجان فتن احتاجوا إلى بحث الأفضلية»^{۱۲}
از آن جا که بیشتر اهل سنت و بسیاری از فرق دیگر قائل به این شده‌اند که باید افضل اهل زمان برای امامت متعیّن و انتخاب شود، ... به بحث درباره افضلیت نیاز پیدا کردند.

۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۴.

۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۷.

۹. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۲؛ و نیز ر.ک: فاضل مقداد، اللوامع الالهية في المباحث الكلامية، ص ۳۱۹.

۱۰. فاضل مقداد، ارشاد الطالبين الى نهج المسترشدين، ص ۳۳۶.

۱۱. ابن تیمیه، منهاج السنة النبوية، ج ۶، ص ۴۷۵.

۱۲. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۹۱.

برای لزوم افضلیت امام، ادله مختلف عقلی و نقلی اقامه شده است که تبیین و بررسی آنها از موضوع این نوشتار خارج است؛ از این رو خواننده را به کتب و منابعی که به بررسی این ادله پرداخته‌اند، ارجاع می‌دهیم.^{۱۳}

متن حدیث

این حدیث با عبارات مختلفی در منابع اهل سنت روایت شده است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. حدثنا زید بن حباب، عن إسرائيل، عن مسرة النهدي، عن النعمان بن عمرو، عن زر بن حبیش، عن حذيفة، قال: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم فصليت معه المغرب ثم قام يصلي حتى صلى العشاء، ثم خرج فاتبعته، فقال: «ملك عرض لي استأذن ربه أن يسلم علي ويشرني أن الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة.»^{۱۴}

۲. حدثنا محمد بن موسى الواسطي، حدثنا المعلى بن عبد الرحمن، حدثنا ابن أبي ذئب، عن نافع عن ابن عمر، قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة، وأبوهما خير منهما»^{۱۵}

۳. حدثنا محمود بن غيلان، قال: حدثنا أبو داود الحفري، عن سفیان، عن يزيد بن أبي زياد، عن ابن أبي نعم، عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة.»^{۱۶}

بررسی سند حدیث

این حدیث یکی از احادیث قطعی الصدور نزد فریقین است. برای اثبات این مدعا، به طرح مباحث زیر می‌پردازیم.

اثبات تواتر حدیث

۱۳. برای نمونه ر.ک: ابن میثم بحرانی، النجاة فی القيامة فی تحقیق أمر الإمامة، ص ۶۵-۶۶؛ علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۸۷؛ محمد حسن مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ج ۴، ص ۲۳۷-۲۴۰؛ سید علی میلانی، الاصول العامة لمسائل الامامة، ص ۱۴۲-۱۴۴.
۱۴. ابن ابی شیبة، المصنف، ج ۶، ص ۳۷۸. حذیفه گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، پس نماز مغرب را با ایشان خواندم، سپس ایشان به نماز خواندن پرداختند تا این که نماز عشاء را خواندند. سپس خارج شدند پس به دنبال ایشان رفتم. پس فرمودند: فرشته‌ای بر من عارض شد که از پروردگارش اذن خواسته بود تا بر من سلام کند و مرا بشارت دهد به این که حسن و حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت هستند.
۱۵. ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۸۵-۸۶. ابن عمر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حسن و حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان از آن دو بهتر است.
۱۶. ترمذی، الجامع الكبير، ج ۶، ص ۱۱۲-۱۱۳. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا فرمود: حسن و حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت هستند.

بهترین راه برای اثبات صحت سند یک حدیث، اثبات تواتر آن حدیث است؛ زیرا حدیث متواتر^{۱۷} حدیثی است که علم و یقین به صدور آن حاصل می‌شود^{۱۸} و عمل طبق مفاد آن بدون بررسی رجالی سلسله راویان آن، واجب است.^{۱۹}

حدیث مورد تحقیق، از جمله احادیث موتر است. بر اساس بررسی صورت گرفته از سوی برخی محققین، 19 نفر از صحابه این حدیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که اسامی آنها به شرح زیر است:

۱. امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام،

۲. حسین بن علی علیهما السلام،

۳. حذیفه بن یمان،

۴. انس بن مالک،

۵. ابو سعید الخدری،

۶. جابر بن عبد الله انصاری،

۷. عبد الله بن مسعود،

۸. عبد الله بن عباس،

۹. براء بن عازب،

۱۰. ابو هریره

۱۱. ابوبکر بن ابی قحافة

۱۲. عمر بن الخطاب

۱۳. عبد الله بن عمر،

۱۴. اسامة بن زید،

۱۵. قره بن ایاس،

۱۶. مالک بن الحویرث،

۱۷. بريدة بن الحصیب،

۱۷. حدیث متواتر حدیثی را گویند که راویان آن از اول سند تا آخر آن، جمع و عده‌ای باشند که تواطؤ و توافق آنها بر دروغ عادتاً ممکن نباشد. (جلال

الدین السیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۲، ص ۶۲۷).

۱۸. نظام الدین الشاشی، اصول الشاشی، ص ۲۷۲.

۱۹. جلال الدین السیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۲، ص ۶۲۷.

۱۸. ابی رمثة التیمی،
 ۱۹. جهنم. ۲۰.
 در طبقه تابعین نیز 24 نفر این حدیث را نقل کرده‌اند که عبارتند از:
 ۱. علی بن الحسین علیهم السلام
 ۲. شریح بن حارث،
 ۳. زید بن یشیع،
 ۴. حارث الاعور الهمدانی،
 ۵. ابو اسحاق السبعی،
 ۶. زر بن حبیش،
 ۷. قیس بن ابی حازم،
 ۸. عامر الشعبی،
 ۹. ثابت بن اسلم البنانی،
 ۱۰. حمید بن ابی حمید الطویل،
 ۱۱. عبد الرحمن بن ابی نعم،
 ۱۲. عطاء بن یسار،
 ۱۳. عطیة بن سعید العوفی،
 ۱۴. عبد الرحمن عبد الله بن سابط،
 ۱۵. علقمة بن قیس،
 ۱۶. سعید بن جبیر،
 ۱۷. عدی بن ثابت،
 ۱۸. ابو حازم الاشجعی،
 ۱۹. نافع مولی عبد الله بن عمر بن خطاب،
 ۲۰. ابو عثمان النهدی،
 ۲۱. معاویة بن قرّة،
 ۲۲. حسین بن مالک،

۲۳. عبد الله بن بریده

۲۴. ذو الکلاع سمیع بن حوشب.^{۲۱}

با توجه به مطالب پیش گفته روشن شد که بنابر نظر مشهور اهل سنت که تعداد راوی در هر طبقه را در حدیث متواتر معین نکرده بلکه آن را مشروط به عدم امکان تواطؤ و توافق بر کذب کرده‌اند، این حدیث متواتر است؛ زیرا راویان این حدیث در هر طبقه افراد زیادی هستند که با توجه به تعداد آنها و همچنین عقائد و شهرهای محل زندگی مختلف آنها، تواطؤ و توافق آنها بر دروغ عادتاً امکان ندارد. بنابراین حدیث مذکور بر اساس قول مشهور، قطعاً متواتر است.

اما بنابر نظر غیر مشهور که تعداد راوی در هر طبقه را مشخص کرده‌اند، طبق قول کسانی که این تعداد را 4 نفر یا 5 نفر یا 7 نفر یا 10 نفر و یا حتی 12 نفر در نظر گرفته‌اند نیز این حدیث متواتر است.

تصریح به تواتر

عده‌ای از عالمان و بزرگان اهل سنت به تواتر حدیث تصریح کرده‌اند. از جمله این عالمان، سیوطی است.

مناوی به نقل از وی می‌نویسد:

«قال المؤلف وهو متواتر»^{۲۳}

مؤلف (سیوطی) گفته است: این حدیث متواتر است.

البانی عالم معاصر نیز به تواتر حدیث تصریح کرده و می‌نویسد:

«وبالجملة فالحدیث صحیح بلا ریب بل هو متواتر كما نقله المناوی»^{۲۴}

و در هر صورت این حدیث بدون شک صحیح بلکه هم‌چنان که مناوی گفته است، متواتر است.

صاحب کتاب *الجنة والنار* نیز می‌نویسد:

«أخبرنا الرسول - صلى الله عليه وسلم - أن الحسن والحسين سیدا شباب أهل الجنة، ثبت ذلك من

طرق كثيرة تبلغ درجة التواتر»^{۲۵}

حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ما فرموده: حسن و حسین سید و آقای جوانان اهل بهشت

هستند. این حدیث با طرق زیادی که به حد تواتر می‌رسد ثابت شده است.

۲۱. ر.ک: همان

۲۲. ابن حجر عسقلانی، *زهوة النظر فی توضیح نخبه الفكر*، ص ۴۲.

۲۳. عبد الرؤوف المناوی، *التیسیر بشرح الجامع الصغیر*، ج ۱، ص ۵۰۷.

۲۴. الالبانی، *سلسلة الاحادیث الصحیحة*، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲۵. عمر بن سلیمان العتیبی، *الجنة و النار*، ص ۲۰۹.

حاکم نیشابوری و ابن عبد البر از جمله کسانی هستند که اگرچه به تواتر تصریح نکرده‌اند اما به وجوه و اسانید زیاد حدیث اعتراف کرده‌اند. حاکم می‌نویسد:

«هذا حدیث قد صح من أوجه كثيرة، وأنا أتعجب أنهما لم یخرجاه»^{۲۶}

این حدیث، حدیثی است که با وجوه و صورت‌های گوناگون صحیح است و من از بخاری و مسلم تعجب می‌کنم که این حدیث را نیاورده‌اند.

ابن عبد البر نیز می‌نویسد:

«وروی عن النبي صلی الله علیه وسلم من وجوه أنه قال في الحسن والحسين: إنهما سیدا شباب أهل الجنة»^{۲۷}

از پیامبر صلی الله علیه آله با وجوه زیادی نقل شده است که درباره حسن و حسین فرمود: آن دو سید و سرور جوانان اهل بهشت هستند.

ارسال مسلمات

حدیث سیادت اهل بهشت، نزد بسیاری از عالمان اهل سنت آن قدر مسلم و ثابت شده است که برای معرفی امام حسن و امام حسین علیهما السلام از تعبیر این روایت استفاده کرده‌اند. ابونعیم اصفهانی در معرفی امام حسن علیه السلام می‌نویسد:

«الحسن بن علي بن أبي طالب الحسن بن علي بن أبي طالب بن عبد المطلب بن هاشم، أبو محمد سید شباب أهل الجنة»^{۲۸}

مشابه همین تعبیر را ابن عساکر در تاریخ دمشق^{۲۹}، ابن اثیر در اسد الغابة فی معرفة الصحابة^{۳۰}، مزی در تهذیب الکمال^{۳۱}، ذهبی در سیر اعلام النبلاء^{۳۲}، ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب^{۳۳} به کار برده‌اند.

۲۶. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲۷. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲۸. ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۶۵۴؛ و هم چنین رک: همان، ص ۶۶۱.

۲۹. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۳، ص ۱۶۳.

۳۰. ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۱۳ و ۲۴.

۳۱. مزی، تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۲۲۰.

۳۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۲۰.

۳۳. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۵.

بررسی دلالت حدیث

برای بررسی دلالت حدیث و فهم مراد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا باید دید «سید» به چه معناست سپس مقصود از «شباب اهل الجنة» (جوانان اهل بهشت) را مورد نظر و تامل قرار داده تا دریابیم که جوانان اهل بهشت چه کسانی هستند؟ و سید جوانان اهل بهشت به چه معناست؟

معنای سید

راغب اصفهانی درباره معنای سید می نویسد:

«و السَّيِّدُ: المتولِّيُّ للسَّوَادِ، أي: الجماعة الكثيرة، و ينسب إلى ذلك فيقال: سيّد القوم، و لا يقال: سيّد الثَّوبِ، و سيّد الفرس، و يقال: سَادَ القومَ يَسُوْدُهُمْ، و لما كان من شرط المتولى للجماعة أن يكون مهذب النفس قيل لكل من كان فاضلاً في نفسه: سيِّدٌ. و على ذلك قوله: وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا [آل عمران / 39]، و قوله: وَ أَلْفِيَا سَيِّدَهَا [يوسف / 25]، فسَمِيَ الزَّوْجُ سَيِّدًا لسياسة زوجته، و قوله: رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا [الأحزاب / 67]، أي: ولاتنا و سَائِسِينَا»^{۳۴}

و السَّيِّدُ: سرپرست جمعیت زیاد است، و به همین جهت می گویند: سيّد القوم یعنی سرپرست قوم؛ از این رو واژه سید به جماعت منسوب می شود و نمی گویند سيّد الثوب و سید الفرس: (پس واژه سید در مورد جامه و غیر انسان به کار نمی رود). سَادَ القومَ يَسُوْدُهُمْ: بر آن قوم سیادت و سرپرستی نمود، و چون شرط سرپرستی در جماعت تهذیب نفس است، به هر کس که در نفس خویش فضیلت دارد سید گفته اند. و بر این معنی آیه: (وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا - آل عمران) و (وَ أَلْفِيَا سَيِّدَهَا - 25 / يوسف) حمل شده است. همسر و شوی زن هم به خاطر سیاست و سرپرستی همسرش سيّد نامیده شده و آیه: (رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا - 67 / احزاب) یعنی از والیان و سیاستمدارانان پیروی کردیم.

ابن اثیر نیز درباره معنای سید این گونه می نویسد:

«و السَّيِّدُ يَطْلُقُ عَلَى الرَّبِّ وَ الْمَالِكِ، وَ الشَّرِيفِ، وَ الْفَاضِلِ، وَ الْكَرِيمِ، وَ الْحَلِيمِ، وَ مَتَحَمَّلِ أذى قومه، وَ الزَّوْجِ، وَ الرَّئِيسِ، وَ الْمَقْدَمِ. وَ أَصْلُهُ مِنْ سَادَ يَسُوْدُ فَهُوَ سَيِّوْدٌ، فَحَبَلَتْ الْوَاوِ يَاءً لِأَجْلِ الْيَاءِ السَّاكِنَةِ قَبْلَهَا ثُمَّ أَدْغَمَتْ.»^{۳۵}

۳۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳۵. ابن اثیر، النهاية فی غريب الحديث و الاثر، ج ۲، ص ۴۱۸.

سید بر پروردگار و مالک و شریف و فاضل و کریم و حلیم و متحمل آزار قومش و شوهر و رئیس و پیش افتاده اطلاق می شود... .

بنابراین سید به معنای رئیس، سرپرست و افضل است. پس سید جوانان اهل بهشت، رئیس، سرپرست و افضل آنان است. حال باید دید جوانان اهل بهشت چه کسانی هستند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام رئیس و افضل از آنان هستند؟

مقصود از شباب اهل الجنة

باید دانست طبق مفاد روایات معتبر در منابع اهل سنت، تمامی کسانی که در بهشت داخل می شوند، جوان هستند و اساساً غیر جوان در بهشت وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«يدخل أهل الجنة الجنة جرّداً مرداء بيضاء جعّاداً مكحلين أبناء ثلاث و ثلاثين...»^{۳۶}

اهل بهشت داخل در بهشت می شوند در حالی که بدنشان بی مو، صورتشان سفید و نورانی، موی سرشان پیچیده، چشم هایشان سر مه کشیده و سی و سه ساله هستند.

بنابراین امام حسن و امام حسین علیهما السلام افضل از تمام بهشتیان هستند به جز پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام که به سبب ادله متصل و منفصل از تحت عموم حدیث مورد تحقیق خارج شده اند. و زمانی که افضلیت آنها ثابت شود، امامت آنها نیز اثبات خواهد شد. عالمان اهل سنت نیز همین معنای افضلیت را از حدیث برداشت کرده اند. مظهري در این باره می نویسد:

«قوله: "الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة"، (الشباب) جمع شاب؛ يعني: هما أفضل من مات شابا في سبيل الله من أصحاب الجنة، بل هما أفضل أصحاب الجنة شبابهم وشيوخهم سوى الأنبياء والخلفاء الراشدين، كيف لا، وهما جزءا فاطمة، وهي جزء رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ... ولو قيل: إن أهل الجنة ليس فيهم كهول ولا مشايخ ولا صبيان، بل كمال العمر وهو الشباب، فحينئذ يحشران شابين، فاشد التفضيل حينئذ لتساوي الأسنان هناك؛ أي: سكان أهل الجنة أسنانهم متساوية، فتصح هذه الإضافة لتساوي الفاضل والمفضول في السن، والخلفاء الراشدون وإن حشروا شبانا وهم أفضل منها.»^{۳۷}

۳۶. این روایت با کمی تفاوت در متن و با اسناد مختلف در منابع معتبر اهل سنت نقل شده است. برای نمونه ر.ک: ابن ابی شیبّه، المصنف، ج ۷، ص ۳۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱۵، ص ۲۲۰-۲۲۱؛ الترمذی، الجامع الکبیر، ج ۴، ص ۳۰۵؛ البزار، البحر الزخار، ج ۷، ص ۹۰؛ الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۲۵۶ و دیگر منابع.

۳۷. مظهري، المفاتيح في شرح المصابيح، ج ۶، ص ۳۲۷.

... یعنی حسن و حسین علیهما السلام افضل از بهشتیانی هستند که در راه خدا در جوانی مرده‌اند، بلکه افضل از تمامی اهل بهشت هستند چه جوانان و چه پیران، غیر از انبیاء و خلفاء راشدین.^{۳۸} چرا این گونه نباشند در حالی که آن دو جزئی از فاطمه سلام الله علیها هستند و فاطمه سلام الله علیها نیز جزئی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اگر گفته شود: در میان اهل بهشت میانسال و پیر و بچه وجود ندارد بلکه همگی جوان هستند، در این صورت تفضیل و برتری (حسنین علیهما السلام) شدیدتر خواهد بود؛ زیرا تمام ساکنان بهشت هم سن خواهند بود، پس این نسبت صحیح خواهد بود؛ چون فاضل و مفضول در سن و سال برابرند. و خلفاء راشدین اگرچه جوان محشور شوند ولی باز هم از حسنین علیهم السلام افضل هستند.

عبد الحق الدهلوی نیز می نویسد:

«(أبو سعید) قوله: (سیدا شباب أهل الجنة)... فالأولی ما قیل: إن المراد: هما سیدا أهل الجنة؛ لأن أهل الجنة کلهم شباب، لکن یخص بما سوی الأنبیاء والخلفاء الراشدین.»^{۳۹} اولی و سزاوارتر درباره قول پیامبر صلی الله علیه و آله (سیدا شباب اهل الجنة) این است که گفته شده: آن دو سید تمام اهل بهشت هستند؛ زیرا اهل بهشت همگی جوان هستند. البته انبیاء و خلفاء راشدین تخصیص می خورند.

اشکال

اگر همه اهل بهشت جوان هستند، پس چرا پیامبر نفرمود: "سیدا اهل الجنة" و لفظ "شباب" را اضافه کردند در حالی که خصوصیت و فایده‌ای برای ذکر آن وجود ندارد؛ زیرا همه بهشتیان جوان هستند؟

جواب

کلمه "شباب" خصوصیت اهل بهشت که جوان بودن است را بیان می کند و اضافه "شباب" به "اهل الجنة" اضافه بیانیه است؛ یعنی شباب یک لفظ عام است که شامل جوانان اهل بهشت و جوانان غیر اهل بهشت می شود و "اهل الجنة" آن را تبیین می کند و به اهل بهشت اختصاص می دهد. بنابراین ذکر لفظ "شباب" فایده و خصوصیت دارد. مناوی در این باره می نویسد:

۳۸. مقصود از خلفاء راشدین ابوبکر، عمر، عثمان و امیر المؤمنین علیه السلام است.

۳۹. عبد الحق دهلوی، لمعات التنقیح فی شرح مشکاة المصابیح، ج ۹، ص ۷۱۴.

«... فإنه سيدهم وأهل الجنة كلهم شباب كما دل عليه خبر أهل الجنة جرد مرد لا يفنى شبابهم ولا يصح إضافة الشباب إليهم إلا بجعل الإضافة للبيان كقوله تعالى {من بهيمة الأنعام}»^{٤٠}؛ همانا حسن علیه السلام سید اهل بهشت است و اهل بهشت همگی جوان هستند، هم چنان که روایت بر آن دلالت می‌کند و اضافه شباب به اهل الجنة تنها در صورتی صحیح است که اضافه بیانیه باشد مانند آیه {من بهيمة الانعام}

دو نکته

پس از بیان دلالت حدیث بر افضلیت حسنین علیهما السلام به وسیله رجوع به اقوال لغویون و هم چنین با استناد به روایات اهل سنت و کلمات علماء آنها، توجه به دو نکته ضروری می‌نماید:

۱. این حدیث، افضلیت علی الاطلاق حسنین علیهما السلام را نسبت به همه مردم از جمله خلفای سه گانه اثبات می‌کند و ادعای اهل سنت نسبت به خروج خلفای سه گانه از تحت عموم این حدیث، ادعایی است بدون دلیل و مخصّص معتبر.

۲. از مطالب گذشته روشن شد که روایت «ابو بکر و عمر سیدا كهول الجنة»^{٤١} روایتی موضوع و ساختگی است؛ زیرا افزون بر ضعف سند^{٤٢} با مفاد روایات و کلمات علماء عامه منافات دارد؛ چه این که بیان شد تمام اهل بهشت جوان هستند و اساساً میان سالی در آن جا وجود ندارد تا ابوبکر و عمر سید آنها باشند.

نتیجه پایانی

بیان شد که حدیث «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة» به لحاظ سندی متواتر و قطعی الصدور است و تصریحات علماء اهل سنت به تواتر و صحت آن نقل شد. هم چنین گفته شد که از حیث دلالتی نیز دال بر افضلیت حسنین علیهما السلام بر همگان به جز پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است و ثبوت افضلیت، امامت را اثبات خواهد کرد.

٤٠. عبد الرؤف المناوی، فیض القدر شرح جامع الصغیر، ج ٦، ص ١٥١.

٤١. ترمذی، الجامع الکبیر، ج ٦، ص ٤٥. ابوبکر و عمر سید میانسالان اهل بهشت هستند.

٤٢. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: سید علی میلانی، سلسله پژوهش‌های اعتقادی، ج ١٥، احادیث واژگونه.

منايع

كتب

١. ابن ابي شيبه، عبد الله بن محمد، الكتاب المصنف في الاحاديث والآثار، المدينة المنورة، مكتبة العلوم و الحكم، ١٤٠٩ ق.
٢. ابن اثير، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الاثر، قم، مؤسسة مطبوعاتي اسماعيليان، ١٣٦٧ ش.
٣. ابن احمد الهمداني، قاضي عبد الجبار، المغني في ابواب التوحيد و العدل، قاهره، الدار المصرية، ١٩٦٢ - ١٩٦٥ م.
٤. ابن الاثير، علي بن ابي الكرم، اسد الغابة في معرفة الصحابة، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق.
٥. ابن الحجر العسقلاني، احمد بن علي، تهذيب التهذيب، الهند، مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ ق.
٦. ابن الحجر العسقلاني، احمد بن علي، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، دمشق، مطبعة الصباح، ١٤٢١ ق.
٧. ابن المطهر الحلي، حسن بن يوسف، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٨٢ ش.
٨. ابن تيمية الحراني، احمد، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ١٤٠٦ ق.
٩. ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ ق.
١٠. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، بيروت، دار الجيل، ١٤١٢ ق.
١١. ابن عساكر، علي بن الحسن، تاريخ دمشق، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٥ ق.
١٢. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ ق.
١٣. ابن ماجه، محمد بن يزيد، السنن، دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠ ق.
١٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ١٤١٤ ق.
١٥. ابن ميثم بحراني، ميثم، النجاة في القيامة في تحقيق امر الامامة، قم، مجمع الفكر الاسلامي، ١٤١٧ ق.
١٦. ابو نعيم الاصبهاني، احمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، الرياض، دار الوطن للنشر، ١٤١٩ ق.

١٧. الالباني، محمد ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الرياض، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، ١٤١٥ ق.
١٨. الباقلاني، القاضي ابو بكر، تمهيد الاوائل في تلخيص الدلائل، لبنان، مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤٠٧ ق.
١٩. البزار، احمد بن عمرو، مسند البزار المشهور باسم البحر الزخار، المدينة المنورة، مكتبة العلوم و الحكم.
٢٠. الترمذي، محمد بن عيسى، الجامع الكبير، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ١٩٩٦ ق.
٢١. تفتازاني، سعد الدين، شرح المقاصد، افست قم، الشريف الرضي، ١٤٠٩ ق.
٢٢. جرجاني، مير سيد شريف، شرح المواقف، افست قم، الشريف الرضي، ١٣٢٥ ق.
٢٣. جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، بيروت، دار العلم للملايين، 1376 ق.
٢٤. الجويني، عبد الملك، غياث الامم في التياث الظلم، مكتبة امام الحرمين، ١٤٠١ ق.
٢٥. الحاكم النيسابوري، محمد بن عبد الله، المستدرک علي الصحيحين، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق.
٢٦. حمصي رازي، سديد الدين، المنقذ من التقليد، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٢ ق.
٢٧. الدهلوي، عبد الحق، لمعات التنقيح في شرح مشكاة المصابيح، دمشق، دار النوادر، ١٤٣٥ ق.
٢٨. الذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ ق.
٢٩. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دار القلم، ١٤١٢ ق.
٣٠. السيوري الحلبي، مقداد بن عبد الله، ارشاد الطالبين الى نهج المسترشدين، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى ره، 1405 ق.
٣١. السيوري الحلبي، مقداد بن عبد الله، اللوامع الالهية في المباحث الكلامية، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ١٤٢٢ ق.
٣٢. السيوطي، عبد الرحمن بن ابي بكر، تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، دار طيبة.
٣٣. الشاشي، احمد بن محمد، اصول الشاشي، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٢ ق.
٣٤. الطبراني، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، القاهرة، مكتبة ابن تيمية، ١٤١٥ ق.
٣٥. العتيبي، عمر بن سليمان، الجنة و النار، الاردن، دار النفائس للنشر و التوزيع، ١٤١٨ ق.
٣٦. فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، قم، نشر هجرت، ١٤٠٩ ق.
٣٧. محقق حلي، نجم الدين، المسلك في اصول الدين و الرسالة الماتعية، مشهد، مجمع البحوث الاسلامية،

١٤١٤ ق.

٣٨. المزي، يوسف بن عبد الرحمن، تهذيب الكمال في اسماء الرجال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٠ ق.

٣٩. مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق لنهج الحق، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٢٢ ق.

٤٠. المظهري، الحسين بن محمود، المفاتيح في شرح المصباح، وزارة الاوقاف الكويتية، دار النوادر، ١٤٣٣ ق.

٤١. المناوي، عبد الرؤف بن تاج، التيسير بشرح الجامع الصغير، الرياض، مكتبة الامام الشافعي، ١٤٠٨ ق.

٤٢. المناوي، عبد الرؤف بن تاج، فيض القدير شرح الجامع الصغير، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ١٣٥٦ ق.

٤٣. ميلاني، سيد علي، الاصول العامة لمسائل الامامة، قم، الحقائق، ١٤٣٥ ق.

٤٤. ميلاني، سيد علي، سلسله پژوهش هاي اعتقادي، ج 15، احاديث وازگونه.

مقالات

١. فراهتي، عباسعلي؛ آذرى فرد، مهدى؛ پارسا، امير حسين، بازپژوهى روايت «الحسن و الحسين سيدا شباب اهل الجنة» در منابع اهل سنت، نشریه حديث پژوهی، شماره 22، ص 99-118، 1398 ش.